

### متن پرسش

با سلام: استاد روزگاری فکر می‌کردم مطالعه بهترین کار و سرمایه‌گذاری است و مطالعه در الهیات و دین و نفس و... نامتناهی و شگفت‌انگیز است. ولی الان فکر می‌کنم نیازی به این همه مطالعه نیست. اصول را که بدانی تمامه. هیچی تازگی لازم را نداره که انرژی راه افتادن بده. حتی در مراجعه به آیات و روایات می‌گم آخرش دستور بندگی و رضا به قضا است، فقط می‌خوانم و رد می‌شم. در امور روزانه هم به اندازه رفع حاجت بیشتر نیستم. انگار همه چی را فقط تماشا می‌کنم، همین! نماز و اعمال را انجام می‌دم بدون اینکه طالب چیزی باشم. مثل باغبانی که زمین را آماده کرده و نهال را کاشته و دیگه کاری نداره. فقط نگاه می‌کنم. چه حالتیه؟ در دام شیطان؟ چه کنم؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! در بستر حضور در «وجود» آنچه پیش می‌آید، شدت وجود است و نه مطلب جدید. زیرا ما با قرارگرفتن در صراط مستقیم، همچنان در صراط هستیم، ولی با حضوری بعد از حضور قبلی روبه‌رو می‌شویم که دارای شدت بیشتر است. حضور در بیکرانه جاودانه خودمان و قرآن و روایات چنین بهره‌هایی را به انسان عطا می‌کنند. موفق باشید